

خیز بلند ایران برای جهانی شدن

امروزه بخشی از دیپلماسی عمومی کشورها، از طریق حضور در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نمود می‌یابد.



امروزه بخشی از دیپلماسی عمومی کشورها، از طریق حضور در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نمود می‌یابد.

جمهوری اسلامی ایران نیز در این چارچوب کوشیده است تا با حضور فعالانه در این سازمان‌ها، بیشترین نقش و تأثیر را با نزدیک شدن به ارکان تصمیم‌گیری آنها ایفا کند. نمونه‌هایی از این موارد، جنبش عدم‌تعهد و سازمان کنفرانس اسلامی است؛ سازمان‌هایی که در یک ماه اخیر نشست وزرای امور خارجه آنها برگزار شد و ایران در آستانه تکیه زدن بر کرسی ریاست این دو سازمان است.

در شانزدهمین اجلاس وزیران خارجه کشورهای عضو جنبش عدم‌تعهد با حضور 118 کشور عضو در بالی اندونزی قرار شد بنا به سنت چرخش ریاست دوره‌ای، ایران پس از مصر رئیس بعدی گروه «#171نم» باشد. اخیراً نیز در سی و هشتمین اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در آستانه، پایتخت قزاقستان، ایران به همراه ترکیه، آذربایجان و مصر نامزد کسب کرسی ریاست سازمان کنفرانس اسلامی پس از سنگال است. دیپلماسی فعالانه ایران برای ریاست بر این دو سازمان در بحبوحه خیزش مردمی کشورهای عربی- که عموماً عضویت هر دو سازمان را دارا هستند- جدای از فرصت‌سازی فراروی سیاست خارجی ایران، می‌تواند زمینه‌های مناسبی برای دفاع و حمایت از اراده و خواست عمومی مردمی این کشورها فراهم آورد.

پیدایش و چینش

جنبش کشورهای عدم‌تعهد موسوم به «#171نم» دارای 118 کشور عضو است که تقریباً بیش از دو سوم اعضای سازمان ملل متحد را تشکیل می‌دهند. پراکندگی جغرافیایی کشورهای عضو نشان می‌دهد که از مجموع اعضای جنبش ۵۳ کشور از قاره آفریقا، ۳۸ کشور از قاره آسیا، ۲۶ کشور از آمریکای لاتین و تنها یک کشور از اروپا عضو رسمی جنبش هستند. هائیتی و سنت‌کیس و نویس نیز دو عضو جدید این جنبش هستند که در اجلاس 2 سال گذشته سران عدم‌تعهد در هاوانا به آن پیوستند. همچنین ۱۵ کشور و ۷ سازمان بین‌المللی نیز عضو ناظر جنبش عدم‌تعهد هستند.

زمینه شکل‌گیری جنبش به چندین دهه قبل برمی‌گردد؛ در سال 1961 و در نخستین اجلاس این جنبش که در بلگراد- پایتخت یوگسلاوی سابق- برگزار شد شرایط عضویت کشورها در جنبش عدم‌تعهد تعیین شد. بر این اساس کشورهای عضو غیرمتعهد از ائتلاف با قدرت‌های بزرگ و عضویت در پیمان‌های دفاعی و امنیتی که این قدرت‌ها نیز عضو آن هستند، منع شده‌اند. عدم‌تعهدها در بیانیه پایانی اجلاس اول خود اعلام کردند که هدف ما حمایت از کشورهای مستقل و مبارزه با امپریالیسم و کمونیسم است. اجلاس سران غیرمتعهدها هر 3 سال یک‌بار برگزار می‌شود. سمت ریاست جنبش عدم‌تعهد نیز هر دوره به کشور میزبان اجلاس سران واگذار می‌شود.

در سوی دیگر نیز سازمان کنفرانس اسلامی با اهداف 7گانه و نقاط اشتراک دینی و اسلامی شکل گرفت. اتحاد و همبستگی اسلامی، میراث مشترک دینی و اعتقادی اسلامی کشورهایی بود که بر این مبنا تلاش داشتند تا فارغ از سلطه و سیطره اندیشه‌های امپریالیستی و ناسیونالیستی اقدام به تشکیل جبهه‌ای متحد از کشورهای اسلامی در عرصه نظام موجود بین‌المللی کنند. تشکیل «#171کنفرانس عمومی اسلامی» با مشارکت مصر، عربستان و پاکستان در سال ۱۹۵۲ نخستین اقدام در این راه بود.

سازمان کنفرانس اسلامی 57 کشور عضو دارد که در ۴ قاره جهان پراکنده‌اند. اجلاس وزیران خارجه هر سال و اجلاس سران نیز هر 3 سال یک بار برگزار می‌شود. کشور میزبان برای یک دوره زمانی که تا برگزاری اجلاس بعدی به طول خواهد انجامید، ریاست سازمان را برعهده خواهد داشت. اجلاس سران عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری در سازمان است، اما اجلاس وزیران خارجه کانون عمده تصمیم‌گیری به شمار می‌آید.

چالش‌ها و فرصت‌ها

معیار قراردادن عدم‌وابستگی به دو بلوک شرق و غرب باعث سرازیر شدن خیل کشورها به جنبشی شد که بعدها عدم‌تعهد و یا غیرمتعهد لقب گرفت. تنها ملاک قرار دادن عدم‌وابستگی به آمریکا و شوروی و اجبار بر همزیستی مسالمت‌آمیز، گستره وسیعی از

کشورهای 5 قاره با دیدگاه‌ها و راهبردهای متفاوت در نگاه و اختلاف در منافع و خط‌مشی‌ها را روانه نشست‌های نم کرد. این مسائل عملاً باعث شد تا گروه نم به شمشیری دو لبه مبدل شود؛ شمشیری که به نظر می‌رسد برش لبه تضادها و اختلاف‌ها از لبه همکاری‌ها و همکاری‌ها بیشتر است.

عدم درک ضرورت یک ساختار منسجم و ارائه سیاست‌های تشویقی و تنبیهی در قالب سازوکارهای نهادینه شده سازمان‌های بین‌المللی به همراه طیف وسیعی از کشورهای که دارای سطح وسیعی از اصطکاک دیپلماتیک با یکدیگر هستند در کنار نبود پشتوانه اجرایی مستحکم برای توافقات و بیانیه‌های جنبش به شکل آشکاری هزینه‌های عبور از نم را برای کشورهای عضو پایین آورده و نرخ رفتارهای مغایر و بعضاً مخالف با مرامنامه نانوشته نم را به شکل آشکاری افزایش داده است. به نحوی که احساس الحاق جزئی از یک کل در بسیاری از سیاست‌ها و راهبردهای اعضا به آنها دست نداده و همین امر هم عدم هماهنگی و تشدید شکاف‌ها را در جهت ناکارایی و بعضاً بی‌تأثیری جنبش بالا برده است.

واگرایی در راهبردها و راهکارها سبب شده که برخلاف مرامنامه ابتدایی حمایت‌های اعضا از یکدیگر در تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به شکل چشمگیری کاهش یابد. برای مثال ایران هرچند سعی داشته با جلب حمایت غیرمتعهدها از حقوق هسته‌ای خود به عنوان پیشرو کشورهای نسل سوم خواهان دستیابی به فناوری هسته‌ای، این پشتوانه دیپلماتیک را پشت سر خود قرار دهد، اما در این میان در بین غیرمتعهدها و گروه 77 در 3 قطعنامه شورای امنیت، تنها یک‌بار اندونزی رأی ممتنع داده است. البته این رفتار سکوت و انفعال غیرمتعهدها تنها به پرونده هسته‌ای ایران ختم نشده که در دیگر بحران‌های بین‌المللی نظیر بحران سودان، زیمبابوه، لیبی و... با سکوت تامل برانگیز کشورهای عضو عدم‌تعهد همراه شده است؛ مسئله‌ای که تا حد زیادی نیز در مورد کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی نمود دارد.

از سوی دیگر نیز در حالی پیشنهادهای بودجه‌ای و میزان سهمیه‌های هر کشور و همچنین تغییر آرم و اسم سازمان کنفرانس اسلامی به سازمان همکاری اسلامی از موضوعات مطرح شده در نشست 3 روزه آستانه بود که در این نشست تحولات منطقه‌ای در کشورهای عربی جایی در دستور کار نشست نداشت. دلیل این امر نیز از دیدگاه وزیر امور خارجه ایران بررسی تصمیمات کارشناسان ارشدی است که به تصویب نهایی وزرای امور خارجه خواهد رسید.

با وجود اینکه به اذعان بسیاری، سازمان کنفرانس اسلامی نقش و تأثیر چندانی بر تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نداشته، اما نورسلطان نظربایف، رئیس‌جمهوری قزاقستان در سخنرانی خود در نشست وزیران خارجه سازمان همکاری اسلامی از نقش کشورهای عضو این سازمان تقدیر و اعلام کرد که ما نیازمند نقش گسترده این سازمان درخصوص حل مشکلات کشورهای اسلامی هستیم.

این نقش قابل تقدیر که نظربایف از آن صحبت می‌کند در قبال تحولات 6 ماهه عربی اخیر تنها به اعزام هیأت سیاسی به لیبی و حمایت از خواسته‌های قانونی ملت لیبی محدود شده است. از این منظر و به باور بسیاری با توجه به پیشگام بودن ایران در دفاع و حمایت از جنبش‌های مردمی در کشورهای عربی می‌توان انتظار داشت که ریاست ایران بر سازمان همکاری اسلامی آغاز دوره‌ای پرتحرک در عمر این سازمان باشد. دیپلماسی فعال ایرانی بر مبنای دفاع از اراده مردمی در تعیین سرنوشت خویش می‌تواند پویایی محسوسی به سیاست‌های منطقه‌ای سازمان همکاری اسلامی در ورود فعالانه به تحولات منطقه‌ای باشد. ضمن اینکه تلاش برای خلع سلاح، حفاظت از محیط‌زیست، سیستم مالی و اعتباری عادلانه، تشکیل کشور مستقل فلسطین و... تنها گوشه‌ای از آرمان‌های مشترکی است که با اهتمام اعضای دو سازمان می‌تواند به همگرایی در سایه توسعه پایدار درون‌گروهی کمک کند. در قالب این بسترها نیز انتقال ریاست دوره‌ای جنبش عدم‌تعهد و کسب کرسی ریاست در سازمان همکاری اسلامی می‌تواند فرصت‌های بسیاری را نصیب کشورهای عضو کند.